



بهروان، حسین، یوسفی، علی و کریمی، علی. (۱۳۹۳). عوامل مؤثر بر میزان مشارکت شهروندی در مشهد. فصلنامه جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، ۱(۲)، ۳۶-۷.

عوامل مؤثر بر میزان مشارکت شهروندی در مشهد

حسین بهروان^۱، علی یوسفی^۲ و علی کریمی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۷/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۲/۲۴

چکیده

شکل‌گیری و چگونگی مشارکت شهروندی در بین شهروندان، تحت تأثیر عوامل و متغیرهای گوناگون فردی و اجتماعی است. هدف اصلی این پژوهش، شناسایی وضعیت مشارکت شهروندی و بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر آن است. روش تحقیق، پیمایشی است و جامعه‌ی آماری مورد مطالعه، سرپرستان خانوارهای شهر مشهد می‌باشد. نمونه‌ای ۱۸۲ نفری با استفاده از فرمول کوکران به روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای انتخاب شد. نتایج حاصله نشان می‌دهد که میانگین مشارکت شهروندی، در بین پاسخگویان در حد متوسط رو به پایین می‌باشد. میزان مشارکت شهروندی با متغیرهای فایده‌مندی مشارکت شهروندی، جامعه‌پذیری مشارکت شهروندی، اعتماد اجتماعی، احساس تعلق به شهر و پایگاه اجتماعی-اقتصادی رابطه‌ی مستقیم و معناداری دارد. تحلیل‌های رگرسیون چندگانه و نتایج حاصل از تحلیل مسیر نشان داد که فایده‌مندی مشارکت شهروندی، جامعه‌پذیری مشارکت شهروندی و اعتماد اجتماعی مهمترین و تعیین‌کننده‌ترین عوامل تأثیر گذار مستقیم و مثبت بر مشارکت شهروندی محسوب می‌شوند. در حالی که پایگاه اجتماعی-اقتصادی و احساس تعلق به شهر تأثیر غیر مستقیم بر مشارکت شهروندی دارند. محققان نتیجه گرفتند که تأکید بر فایده‌مندی مشارکت شهروندی، جلب اعتماد و آگاه‌سازی چگونگی مشارکت می‌تواند باعث موفقیت برنامه مشارکت شهروندی شود. از طرف دیگر، مناطق پایین شهر باید در برنامه‌ها از اولویت برخوردار باشد. همچنین می‌توان گفت در این برنامه‌ها نباید بر احساس تعلق به شهر تأکید ورزید.

واژه‌های کلیدی: احساس تعلق به شهر؛ اعتماد اجتماعی؛ جامعه‌پذیری؛ فایده‌مندی؛ مشارکت شهروندی

^۱ - استاد گروه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)، behravan@um.ac.ir

^۲ - دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، yousofi@um.ac.ir

^۳ - کارشناس ارشد پژوهشگری علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، karimi_9275@yahoo.com

مقدمه

شهروند در قبال حقوق شهروندی خود تعهداتی دارد که رعایت آن از الزامات شهروند بودن است. شهروندان منفعل، فاقد شخصیت مدنی هستند. بنای مشارکت که در روند مدنیت جامعه مطرح است، مبتنی بر پایه حق و تکلیف می‌باشد. مشارکت، نقش اساسی و تعیین کننده در هویت‌یابی فرد و تبدیل آن به شهروند دارد. در قانون اساسی کشور جمهوری اسلامی ایران، حق مشارکت از اهم مصادیق شهروندی است که حاکی از اهمیت و ضرورت این امر است.

از اواخر دهه ۵۰ میلادی و به دنبال شکست برنامه‌های توسعه‌ی مبتنی بر دیدگاه نوسازی، مفهوم مشارکت^۱ و توسعه‌ی مشارکتی^۲ در ادبیات توسعه مطرح شد. عدم موفقیت این برنامه‌ها در رسیدن به اهداف خود، این باور را تقویت کرد که فقدان مشارکت‌های مردمی در طراحی، اجرا و ارزیابی برنامه‌ها موجب ناکامی آن‌ها شده است. از این رو در واکنش به این امر، مفهوم مشارکت به عنوان «دخالت شهروندان در تصمیم‌گیری‌های عمومی و برنامه‌ریزی در زمینه‌های مربوط به آن‌ها» (بام^۳، ۲۰۰۱: ۱۸۴۰) مورد توجه برنامه‌ریزان قرار گرفت و فرایندهای تقویت کننده مشارکت مردم، به عنوان زمینه اصلی توسعه مطرح شد.

امروزه به مشارکت به عنوان مؤلفه‌ی اصلی و تفیک‌ناپذیر توسعه نگریسته و روزه‌روز بر اهمیت و ضرورت آن بیشتر تاکید می‌شود. به گونه‌ای که در گزارش توسعه‌ی انسانی برنامه توسعه‌ی سازمان ملل متحد (۱۹۹۳) عنوان شده است «موضوع مشارکت مردم، رفته رفته به صورت مسئله اصلی زمان ما در می‌آید» (آتال، ۱۳۷۹: ۲۷). مشارکت ابعاد و انواع گسترده‌ای را شامل می‌شود که «متخصصان توسعه، کنترل شهروندی را عالی‌ترین سطح نوع مشارکت تشخیص داده‌اند در این گونه مشارکت، مردم در تصمیم‌گیری‌هایی که زندگی روزانه آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد دخالت می‌کنند» (شادی طلب، ۱۳۸۲: ۱۴۲).

در اواخر دهه ۱۹۷۰ سازمان بهداشت جهانی اصطلاح مشارکت شهروندی^۴ را برای نخستین بار در بحث مراقبت‌های اولیه بهداشتی مطرح ساخت. طرح مشارکت مردم در اداره امور شهری در سال ۱۹۹۶ به عنوان یکی از طرح‌های مؤثر در بهبود زندگی شهری از سوی اجلاس سازمان ملل در زمینه اسکان بشر ارائه گردید (شریفیان ثانی، ۱۳۸۰: ۴۴). شهروندی افراد یا اعضا جامعه، از طریق فعالیت‌های مشارکتی که تقویت کننده حقوق آن‌هاست، مطرح می‌شود. بانجامین باربر یکی از صاحب‌نظران، شهروند شدن را مشارکت کردن دانسته و استدلال

1. Participation

2. Participatory development

3. Baum

4. Citizen participation

می‌کند که «شهروندی چیزی است که از پی مشارکت می‌آید. یعنی شهروندی شرط مشارکت نیست، بلکه یکی از غنی‌ترین ثمره‌های آن است» (شیانی، ۱۳۸۲: ۱۸-۱۷).

مشارکت اجتماعی را می‌توان بستر شکوفایی و بروز خلاقیت انسان دانست که از یک سو بر آن مفهوم شهروندی ساخته می‌شود و از دیگر سو جزیی از حقوق و مسئولیت‌های شهروندی به شمار می‌آید. بنابراین برای داشتن یک جامعه‌ی سالم و موفق باید اصلاحات سیاسی و اجتماعی با هدف بهبود فرصت‌ها برای اعضای جامعه، جهت اعمال حقوق و مسئولیت‌هایشان با ترویج اخلاق مشارکتی صورت پذیرد. مشارکت نه فقط ابزار دستیابی بلکه هدف توسعه‌ی انسانی است. اساسی‌ترین ظرفیت جهت توسعه‌ی انسانی هدایت به سوی زندگی سالم و طولانی، آموزش، دسترسی به منابع مورد نیاز در حد استانداردهای مناسب زندگی و مشارکت در زندگی اجتماعی است. بنابراین ویژگی کلیدی معرف شهروندی که آن را از تابعیت متمایز می‌کند وجود یک اخلاق مشارکتی است. این مسئله نشان‌گر آن است که مشارکت فعال پایه و اساس شهروندی و جزیی از حقوق و وظایف شهروندی است (شیانی، ۱۳۸۲: ۲۰).

بر اساس گزارش توسعه‌ی سازمان ملل در مراسم شهرداران که از ۲۸ تا ۳۱ جولای ۱۹۹۷ در سازمان ملل متحد صورت پذیرفت، از ۱۵۱ شهردار جهان در خصوص مشکلات مهم شهرهای جهان پرسش‌هایی به عمل آمد که بر اساس نتایج حاصله، مواردی نظیر مشارکت شهروندان، جمع‌آوری ناکافی زباله، تراکم ترافیک و ... به عنوان مشکلات عمده شهرهای جهان مطرح گردید. به طور کلی می‌توان گفت در جهان امروز مشارکت شهروندان یکی از راه‌های برون رفت از بحران‌های اجتماعی مانند فقر و نابسامانی‌های شهری در کشورها و مناطق در حال توسعه است (اوهمر و بک^۱، ۲۰۰۶). امروزه نیز در کشور ما با افزایش جمعیت و گسترش فیزیکی شهرها، ارائه خدمات شهری با مشکل روبرو بوده است. به طوری که مشکل مسکن، کمبود فضای سبز کافی، آلودگی هوای ناشی از تردد اتومبیل‌ها، جمع‌آوری زباله‌ها، حاشیه‌نشینی و تعارضات گروهی از جمله عوامل نارضایتی در کلان‌شهرهای ایران است. برای حل این معضلات توجه به مشارکت شهروندان و استفاده از توان‌ها و استعدادهاى شهروندان بیش از پیش احساس می‌شود. توجه به نقش مشارکت به عنوان یک نظام کارکردی در سطوح کلان، میانی و خرد با کارکردهای افزایش ثبات اجتماعی، تقویت روحیه همبستگی و کاهش تعارضات گروهی، از بین بردن فرهنگ حاشیه‌نشینی، شکوفایی استعدادها و بروز خلاقیت، بسط ارزش‌های

^۱. Ohmer & Beck

دموکراتیک، سهیم شدن در منابع قدرت و تقویت روحیه مسئولیت‌پذیری همراه است (وحیدا و نیازی، ۱۳۸۳: ۱۲۰).

با توجه به مطالب مذکور در این مقاله سعی بر آن داریم که به دور از ذهن‌گرایی، نسبت به میزان و نحوه مشارکت شهروندان شناخت بیشتری پیدا کنیم. و درکمان را از عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندی افزایش دهیم تا بتوانیم مدیران شهری را در حل مشکلات شهری یاری نماییم.

پیشینه تحقیق

نتایج تحقیقات انجام شده در رابطه با مشارکت شهروندی متفاوت بوده است. در تحقیقی میانگین میزان مشارکت شهروندی از بازه ۴۶-۱۲۳ به مقدار ۹۱/۷ می‌باشد که نشان دهنده میزان بالای مشارکت شهروندان است. در این پژوهش بین مشارکت شهروندی و مناسب بودن منطقه سکونتی، اعتماد اجتماعی، رضایتمندی اجتماعی، رضایتمندی بهداشتی رابطه‌ی مثبت و معنادار و احساس محرومیت نسبی رابطه‌ی معکوس وجود داشته است (ربانی و همکاران، ۱۳۸۶). نتایج تحقیق دیگر نشان می‌دهد ۶۹/۸ درصد شهروندان در حد متوسط ۲۲/۸ درصد در حد بالا و ۴/۴ درصد در سطح پایین مشارکت داشتند. احساس تعلق اجتماعی، احساس مالکیت بر محیط شهری، سن و رضایت از خدمات شهری متغیرهایی بودند که در این تحقیق همگی تأثیر مثبتی بر میزان مشارکت شهروندان داشته است (شفیعی، ۱۳۸۵). در تحقیق دیگر ۲۹/۲ درصد از شهروندان در حد پایین، ۶۵/۴ درصد در سطح متوسط و ۵/۴ درصد در سطح بالا در امور مربوط به شهر مشارکت داشتند (کلدی، ۱۳۸۰). نتایج تحقیقی دیگر نشان داد که ۴۷/۷ درصد از شهروندان در حد متوسط، ۲۸/۷ درصد در سطح کم و ۲۶/۶ درصد در حد زیاد تمایل به مشارکت داشتند. در این بین ۸۰ درصد در حد کم، ۱۵ درصد در حد متوسط و ۵ درصد در حد بالایی در امور شهری مشارکت داشتند (یزدان پناه، ۱۳۸۲). در تحقیقی دیگر ۷۰/۹ درصد از شهروندان گرایش زیاد به مشارکت داشتند. در این تحقیق احساس بی‌قدرتی باعث کاهش مشارکت می‌شود. هرچه شهروندان فایده‌مندی بیشتری برای مشارکت قائل باشند میزان مشارکت آن‌ها نیز بیشتر است (احمدی، ۱۳۸۳). نتایج تحقیقی دیگر نشان می‌دهد که ۱۶ درصد از تغییرات متغیر تمایل به مشارکت را خود اثر بخشی، ۲ درصد را پایگاه اجتماعی و اقتصادی و ۰/۰۹ را متغیر اعتماد اجتماعی تبیین می‌کنند. همچنین در این تحقیق احساس بی‌قدرتی باعث کاهش تمایل به مشارکت در بین شهروندان شده است (صالحی، ۱۳۸۵). ردی و همکارانش در تحقیقات خود آموزش مشارکتی، پایگاه اجتماعی - اقتصادی بالا، سلامت فیزیکی،

نگرش مثبت به مشارکت، عدم بیگانگی اجتماعی، داشتن نگرش مثبت نسبت به بازدهی فعالیت‌های مشارکتی گروه، داشتن روحیه همکاری و تعاون و ریسک‌پذیری بالا را عواملی می‌دانند که افزایش مشارکت را در پی دارد (ردی و همکارانش، ۱۹۷۳). نتایج تحقیقات دیگر نشان می‌دهد که اعتماد درون گروهی، فعالیت‌های جمعی، درک از مشکلات موجود در محله، داشتن مهارت‌های لازم برای سازماندهی، خودکارآمدی، اثربخشی جمعی، حس اجتماعی بالا، سیاست‌های عمومی، آموزش در مشارکت شهروندان، محیط و آگاهی روانی در افزایش مشارکت مؤثر است (هنری سانوف، ۱۹۸۱؛ کاریوکی و پلیس، ۲۰۰۵؛ فاستر فیشرمن و همکارانش، ۲۰۰۹؛ اوهمر، ۲۰۰۷؛ دوچرتی و همکاران، ۲۰۰۱؛ وینسرا، ۲۰۰۲).

چارچوب نظری

با توجه به تاثیرگذاری عوامل متعدد بر مشارکت، تاکنون نظریه‌ای کلی که به صورتی ساده همه یا بیشتر متغیرهای مربوط به مشارکت شهروندی را در بر داشته باشد مطرح نگردیده است. از این رو به نظر می‌رسد مشارکت شهروندی پدیده پیچیده‌ای است که به تعداد بسیار فراوانی از متغیرها وابسته است. البته این بدان معنا نیست که هیچ‌الگوی ادراکی نتوان برای تبیین مشارکت مطرح نمود. دست‌کم می‌توان گروهی از متغیرهای مستقل متعاملی را که در اصل درونی هستند و آن‌هایی که از محیط بیرونی فرد ناشی می‌شوند، در نظر گرفت. در این پژوهش مشارکت، نوعی کنش در نظر گرفته شده است که از دید پارادایم‌های جامعه‌شناسی یعنی پارادایم‌های واقعیت اجتماعی، تعریف اجتماعی و رفتار اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در پارادایم واقعیت اجتماعی، مشارکت شهروندی به عنوان واقعیتی اجتماعی در شکل گروهی و سازمانی، نهادی و ساختاری آن با بهره‌گیری از نظریات اندیشمندانی همچون هابرماس، لیپست، هانتینگتون و نلسون، لرنر و هیگن مورد تحلیل و تبیین قرار گرفته است. هابرماس در نظریه کنش ارتباطی خود بیان می‌کند که هر کس بخواهد در فرایند رسیدن به تفاهم شرکت کند نمی‌تواند مدعی مطرح ساختن چهار اعتبار فهمیدنی بودن، صداقت، درستی و صدق نباشد. به نظر وی این چهار دعوی در پس هر نوع ارتباطی نهفته است. و هر کس که در این ارتباط شرکت می‌کند لاجرم مدعی این ارتباط‌هاست (اباذری، ۱۳۷۷: ۷۳). بنابراین پس زمینه رسیدن به هر نوع وفاقی، گردن نهادن به اعتبار مورد دعوی است. به نظر او امکان‌رهایی از سلطه، از طریق کنش ارتباطی آزاد میسر است که حوزه عمومی، زمینه و بسترساز آن است (پیوزی، ۱۳۷۹: ۱۰۴). بنابراین، بر اساس دیدگاه هابرماس

فضایی باید ایجاد کرد که افراد به دور از دستگاه‌های ایدئولوژیک به مشارکت و گفت‌وگو بپردازند. این گفت‌وگو نیز بر پایه اعتماد و صدق رفتار کنشگران در کنش ارتباطی بین یکدیگر میسر می‌شود. لازمه مشارکت شهروندی نیز به عنوان یک کنش، اعتماد افراد در جامعه به یک دیگر و وجود نهادهای مدنی است که این امر بسته به ویژگی‌های شخصیتی افراد دارد.

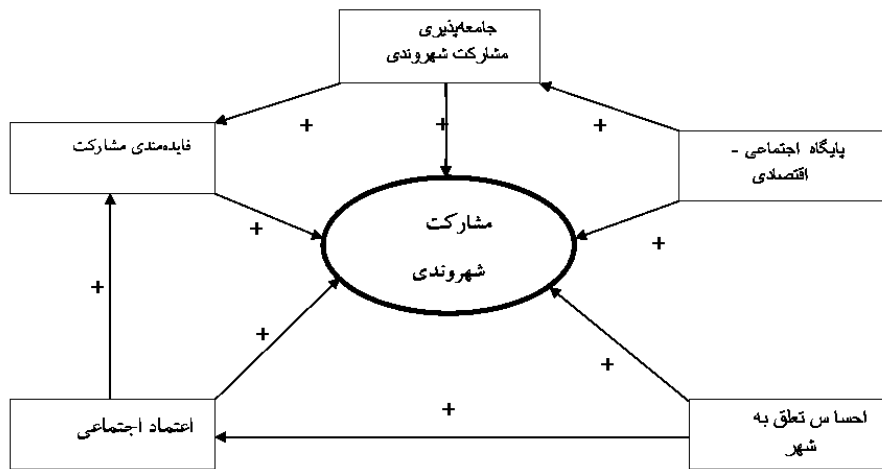
پایگاه اجتماعی-اقتصادی عاملی است که به نظر می‌رسد مشارکت شهروندی تحت تأثیر آن قرار دارد. این موضوع را می‌توان در نظریه‌های اندیشمندانی چون لیپست و هانتینگتون و نلسون مشاهده کرد. لیپست در کتاب انسان سیاسی خود خاطر نشان می‌کند که کارگرانی که در اجتماع شغلی خود، فعال هستند در امور تشکیلاتی فعال‌ترند. بنابراین درجه بالای از مشارکت را به بار می‌آورند. این امر متأثر از عواملی چون منزلت اجتماعی این افراد است (کلدی، ۱۳۸۱: ۴۲). این موضوع در نظریات هانتینگتون و نلسون نیز نمایان است. این دو معتقدند که تحرک اجتماعی، زمینه را برای بسط مشارکت فراهم می‌آورد. تحرک اجتماعی به این معنا که کسب منزلت‌های بالاتر اجتماعی به نوبه خود در فرد احساس توانایی و نگرش‌های معطوف به توانایی تأثیر نهادن بر تصمیم‌گیریهایی عمومی را ایجاد می‌کند و این می‌تواند مشوقی برای مشارکت افراد در فعالیتهای اجتماعی باشد (دهقان و غفاری، ۱۳۸۴: ۷۴).

در قالب پارادایم تعریف اجتماعی ابعاد ارزشی و هنجاری کنش و مشارکت شهروندی اهمیت اساسی پیدا می‌کند؛ به گونه‌ای که آمادگی‌های روانی-اجتماعی که توسط نظام معانی و ابعاد ارزشی و هنجاری حاکم بر ذهن کنشگران تعریف می‌شوند و نیت کنشگران را برای ورود به عمل مشارکتی تعیین می‌کنند، اهمیت در خور توجهی پیدا می‌کند. جامعه‌پذیری مشارکت یکی از متغیرهایی است که در قالب این پارادایم، به نظر می‌رسد بر میزان مشارکت شهروندی مؤثر است. این امر را می‌توان در نظریه‌های پارسونز، هیگن و گائوتری مشاهده کرد. پارسونز کنش اجتماعی را «همه‌ی رفتارهای انسانی می‌داند که انگیزه و راهنمای آن، معانی است که کنشگر آن‌ها را در دنیای خارج کشف می‌کند. ویژگی‌های اصلی کنش اجتماعی در حساسیت کنشگر به معانی چیزها و موجوداتی است که در محیط هستند و آگاهی یافتن به این معانی و واکنش به پیامهایی است که آن‌ها می‌فرستند» (گی روشه، ۱۳۷۶: ۵۶). پارسونز به شیوه‌های انتقال هنجارها و ارزش‌های یک نظام، به کنشگران درون نظام توجه داشت و معتقد بود در یک فراگرد اجتماعی شدن موفق، این ارزش‌ها و هنجارها، ملکه ذهن می‌شوند یعنی به صورت بخشی از وجود کنشگران یا وجدان آن‌ها در می‌آیند. در نتیجه این فراگرد، کنشگران ضمن دنبال کردن منافعشان، در واقع به مصالح کل نظام خدمت می‌کنند (ریتزر، ۱۳۸۵: ۱۳۶). هیگن به نوع جامعه‌پذیری افراد توجه خاصی دارد. در نظر وی نوع جامعه‌پذیری در انواع

شخصیت و سپس رفتار اجتماعی افراد مؤثر است. شخصیت‌های خلاق که در نتیجه آموزش و جامعه‌پذیری درست شکل می‌گیرد جهان را نظامی منسجم و شکل یافته می‌بیند چنین شخصیتی از میزان بالای انگیزه و همکاری و مشارکت آگاهانه در تصمیم‌گیری‌ها برخوردار است (کلدی، ۱۳۸۱: ۵). گائوتری مشارکت را فرایند خودآموزی اجتماعی و مدنی می‌داند و معتقد است در قالب فرایند اجتماعی کردن و درونی کردن باید ارزش‌ها و ایده‌های مربوط به مشارکت را به طور عمیق درونی و نهادی کرد. بنابراین با توجه به این نظریات می‌توان گفت هر چه این جامعه‌پذیری در افراد بیشتر باشد، مشارکت شهروندی بیشتر است (گائوتری، ۱۳۷۹: ۳۸-۳۵).

در پارادایم رفتار اجتماعی مشارکت شهروندی به عنوان نوعی رفتار، رفتاری که صورت کاملاً عینی و خارجی داشته و تحت تأثیر محرک‌های بیرونی است، مورد مطالعه قرار می‌گیرد و از نظریه‌های اندیشمندانی چون هومنز، رابرت دال و کلندرمن استفاده می‌شود. بر اساس نظریات موجود در این پارادایم، افراد، همه‌ی کارها را براساس فایده استدلال می‌کنند و آن را مبنای اختیار عمل مشارکتی یا غیر مشارکتی قرار می‌دهند. افراد در صورتی به سوی اقدامات مشارکتی گرایش نشان می‌دهند که بپذیرند در شرایط جمعی و مشارکتی امکان دستیابی به فایده تسریع و تسهیل خواهد شد. این موضوع را هومنز در نظریه مبادله خود مورد بررسی قرار داده است. اساسی‌ترین فرض نظریه مبادله هومنز این است که، افراد رفتارهایی که در قبال انجامشان پاداش دریافت می‌کنند، تکرار می‌کنند. و از رفتارهایی که قبلاً برای آن‌ها هزینه زیادی دربرداشته است، پرهیز می‌کنند (دیلینی، ۱۳۸۸: ۳۹۵-۳۹۳). رابرت دال نیز اذعان می‌کند اگر مردم در ارزش‌یابی‌های خود دریابند که پاداشی که از مشارکت در امور به دست می‌آید کمتر از دیگر فعالیت‌ها باشد آن‌ها حتماً کمتر مشارکت می‌جویند (دال، ۱۳۶۴: ۱۳۹-۱۳۳). کلندرمن برای مشارکت در کنش جمعی وجود سه انگیزه هدف، انگیزه اجتماعی و انگیزه پاداش را مطرح می‌کند که انگیزه پاداش معطوف به هزینه و فواید مشارکت است (دهقان و غفاری، ۱۳۸۴: ۷۲). بنابراین به نظر می‌رسد هر چه افراد مشارکت را فایده‌مندتر بدانند بیشتر به مشارکت با یکدیگر می‌پردازند.

مدل تحلیلی برگرفته از فرایند پژوهش



فرضیات تحقیق

فرضیه‌هایی که در این تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرد به صورت زیر می‌باشد:

- ۱- احساس تعلق به شهر، اثر مثبت و معناداری بر میزان مشارکت شهروندی دارد.
- ۲- اعتماد اجتماعی، اثر مثبت و معناداری بر میزان مشارکت شهروندی دارد.
- ۳- فایده‌مندی مشارکت شهروندی، اثر مثبت و معناداری بر میزان مشارکت شهروندی دارد.
- ۴- پایگاه اجتماعی^۰ اقتصادی، اثر مثبت و معناداری بر میزان مشارکت شهروندی دارد.
- ۵- جامعه‌پذیری مشارکت شهروندی، اثر مثبت و معناداری بر میزان مشارکت شهروندی دارد.
- ۶- هرچه احساس تعلق به شهر بالاتر باشد، اعتماد اجتماعی بیشتر است.
- ۷- هرچه اعتماد اجتماعی بالاتر باشد، فایده‌مندی مشارکت شهروندی بیشتر است.
- ۸- هرچه پایگاه اجتماعی^۰ اقتصادی بالاتر باشد، جامعه‌پذیری مشارکت شهروندی بیشتر است.
- ۹- هرچه جامعه‌پذیری مشارکت شهروندی بیشتر باشد، فایده‌مندی مشارکت بیشتر است.

روش تحقیق

روش تحقیق این مطالعه پیمایشی و مقطعی است و نوع تحقیق توصیفی-تبیینی است. جامعه‌ی آماری در تحقیق حاضر، شامل مجموعه‌ی افراد سرپرست خانوارهای ساکن در نواحی چهل‌گانه شهر مشهد به تعداد ۶۲۳۰۹۳ بوده که از این تعداد ۱۸۲ نفر نمونه از طریق فرمول کوکران به شیوه نمونه‌گیری چند مرحله‌ای انتخاب گردیده است. پس از تعیین حجم نمونه با توجه به جامعه‌ی آماری، ابتدا طبق پژوهش انجام شده از طرف معاونت فرهنگی اجتماعی شهرداری مشهد مناطق ۱۳ گانه شهر مشهد از لحاظ منزلتی به پنج خوشه تقسیم شد (یوسفی، ۱۳۸۷). در این پژوهش خوشه یک ۱۱ ناحیه، خوشه دو ۱۱ ناحیه، خوشه سه ۹ ناحیه، خوشه چهار ۷ ناحیه و در نهایت خوشه پنجم ۲ ناحیه از نواحی ۴۰ گانه شهر مشهد را شامل می‌شود. در مرحله بعد با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی، از هر خوشه یک ناحیه به عنوان معرف کل خوشه انتخاب شد. بدین صورت که از خوشه یک ناحیه ۱ منطقه ۱۱، از خوشه دو ناحیه ۳ منطقه ۸، از خوشه سوم ناحیه ۲ منطقه ۷، از خوشه چهارم ناحیه ۲ منطقه ۴ و در نهایت از خوشه پنجم ناحیه ۳ منطقه ۵ انتخاب شد. از داخل هر کدام از نواحی که به بلوک‌های مشخص تقسیم شده‌اند اطلاعات جمع‌آوری شد. بدین صورت که بین فهرست بلوک‌های هر ناحیه، تعدادی بلوک (به تعداد یک دهم حجم نمونه در هر ناحیه) به صورت تصادفی انتخاب و سپس با منظور کردن عدد ۱۰ به عنوان فاصله نمونه، در هر بلوک ۱۰ خانوار نمونه به صورت منظم انتخاب شدند. بعلاوه در هر بلوک نقطه شروع نمونه‌گیری از بین اعداد ۱ تا ۱۰ به صورت تصادفی تعیین شده است. شروع نمونه‌گیری در هر بلوک از سمت شمال شرقی آن و در جهت حرکت عقربه ساعت صورت گرفته و بلوک‌هایی که کمتر از ۱۰ خانوار دارند همراه با بلوک سمت غرب یا نزدیکترین بلوک مسکونی به آن‌ها در نظر گرفته شدند.

جدول ۱: تعداد نمونه های انتخاب شده بر حسب خوشه

نوع خوشه	منطقه و ناحیه انتخاب شده	تعداد سرپرست خانوار بر حسب ناحیه انتخاب شده	تعداد نمونه انتخاب شده بر حسب نمونه کل
خوشه اول (بالای بالا)	منطقه ۱۱ ناحیه ۱	۲۱۹۱۲	۴۱
خوشه دوم (بالا)	منطقه ۸ ناحیه ۳	۸۳۲۵	۴۴
خوشه سوم (متوسط)	منطقه ۷ ناحیه ۲	۱۲۷۵۳	۴۱
خوشه چهارم (پایین)	منطقه ۴ ناحیه ۲	۲۱۷۲۳	۲۹
خوشه پنجم (پایین پایین)	منطقه ۵ ناحیه ۳	۱۲۰۳۶	۲۷
جمع کل		۷۶۷۴۹	۱۸۲

شاخص ها

۱. مفهوم مشارکت شهروندی (متغیر وابسته): برای سنجش مشارکت شهروندی در دو بعد تمایلی و رفتاری ۳ سوال مطرح شد: ۱- تا چه حد تمایل به شرکت در فعالیت‌های زیر را دارید؟ پاسخ آن گزینه‌های خیلی کم (نمره ۱) تا خیلی زیاد (نمره ۵) است. ۲- در یک سال گذشته تا چه حد در فعالیت‌های ذیل شرکت داشته‌اید؟ پاسخ آن گزینه‌های خیلی کم (نمره ۱) تا خیلی زیاد (نمره ۵) است. ۳- در کدام یک از گروه‌ها و سازمان‌های زیر فعال هستید و هر چند وقت به آن‌ها سر می‌زنید؟ پاسخ آن گزینه‌های هرچند سال یکبار (نمره ۱) تا هفته یکبار بیشتر (نمره ۵) می‌باشد. سپس شاخص کل مشارکت شهروندی از طریق مجموع نمرات ۲۲ گویه به دست آمد. لازم به ذکر است برای توصیف مقایسه‌ای روشن‌تر و بهتر متغیرها، تمامی شاخص‌ها در این تحقیق با استفاده از فرمول زیر استاندارد شدند. به طوری که درجات نمرات کل تمامی شاخص‌ها بین ۰ تا ۱۰۰ یکسان شده است.

$$100 * \frac{\text{مقدار حداقل} - \text{مقدار واقعی}}{\text{مقدار حداقل} - \text{مقدار حداکثر}}$$

پژوهش‌های علوم انسانی
رتال جامع علوم انسانی

برای استاندارد کردن نمرات کل مشارکت شهروندی از نمرات عاملی^۱ آن، بعد از انجام تحلیل عامل استفاده شده است. حداقل آن ۰ و حداکثر آن ۱۰۰ می‌باشد. که هر چه به ۱۰۰ نزدیک‌تر باشد نشان از این دارد که فرد از مشارکت شهروندی بالایی برخوردار است.

۲. مفهوم اعتماد اجتماعی: برای سنجش اعتماد اجتماعی از دوازده گویه در دو بعد اعتماد بین فردی و اعتماد نهادی در قالب این سوال که در مورد هر کدام از جملات زیر نزدیک‌ترین گزینه به دیدگاه خود را انتخاب کنید. با پاسخ‌های پنج قسمتی کاملاً موافقم (نمره ۵) تا کاملاً مخالفم (نمره ۱) استفاده شده است. شاخص اعتماد اجتماعی از مجموع این دوازده گویه بدست می‌آید. که حداقل آن ۱۲ و حداکثر آن ۶۰ است. این شاخص نیز بر حسب نمرات عاملی آن بر طبق فرمولی که قبلاً ذکر شد استاندارد شده است. به طوری که حداقل آن ۰ و حداکثر آن ۱۰۰ است که در اینجا نمره ۱۰۰ نشانگر اعتماد اجتماعی بالای فرد می‌باشد.

۳. احساس تعلق به شهر: برای سنجش احساس تعلق به شهر از ۴ گویه در قالب این سوال که هر کسی نسبت به محل سکونت خود یک احساس تعلقی دارد اما میزان آن در بین افراد یکسان نیست. چند سوال در این رابطه می‌خوانم شما نظر خود را بگویید؟ استفاده شده است. پاسخ تمامی گویه‌های آن گزینه‌های خیلی کم (نمره ۱)، خیلی زیاد نمره (۵) می‌باشد. شاخص احساس تعلق به محل سکونت از مجموع نمرات ۴ گویه بدست آمد که حداقل آن ۴ و حداکثر آن ۲۰ است. نمرات کل شاخص احساس تعلق بر طبق فرمول بین ۰ تا ۱۰۰ استاندارد شده است. به طوری که هر چه به ۱۰۰ نزدیک‌تر باشد نشان از احساس تعلق بیشتر فرد به شهر خود است.

۴. فایده‌مندی مشارکت شهروندی: برای سنجش فایده‌مندی مشارکت شهروندی از شش گویه در قالب طیف لیکرت با پاسخ‌های پنج قسمتی کاملاً مخالفم (نمره ۱) تا کاملاً موافقم (نمره ۵) استفاده شده است. شاخص فایده‌مندی مشارکت شهروندی از مجموع نمرات این شش گویه بدست می‌آید که حداقل آن ۶ و حداکثر آن ۳۰ می‌باشد. نمرات کل شاخص فایده‌مندی مشارکت شهروندی بر طبق فرمول بین ۰ تا ۱۰۰ استاندارد شده است. به طوری که هر چه به ۱۰۰ نزدیک‌تر باشد نشان از این دارد که فرد دیدی مثبتی به پیامدهای مشارکت دارد.

^۱ . Factor scores

۵. **جامعه‌پذیری مشارکت شهروندی:** برای سنجش جامعه‌پذیری مشارکت شهروندی از هفت گویه در قالب طیف لیکرت با پاسخ‌های خیلی کم (نمره ۱)، کم (نمره ۲)، تاحدی (نمره ۳)، زیاد (نمره ۴) و خیلی زیاد (نمره ۵) استفاده شده است. شاخص جامعه‌پذیری مشارکت شهروندی از مجموع نمرات این هفت گویه بدست می‌آید. که حداقل آن ۷ و حداکثر آن ۳۵ می‌باشد. نمرات کل شاخص جامعه‌پذیری مشارکت شهروندی بر طبق فرمول بین ۰ تا ۱۰۰ استاندارد شده است. به طوری که هر چه به ۱۰۰ نزدیک‌تر باشد. نشان از مشارکت‌پذیری بالاتر در فرد است.

۶. **پایگاه اجتماعی - اقتصادی:** برای سنجش پایگاه اجتماعی-اقتصادی پاسخگویان از ترکیب سه متغیر تحصیلات سرپرست خانوار، متوسط درآمد ماهانه کل اعضای خانواده و منزلت شغلی سرپرست خانوار استفاده شده است. تحصیلات شامل میزان سال‌های تحصیل رسمی است که از بی سواد تا حوزوی در هشت طبقه تقسیم بندی شده است. برای تعیین رتبه شغلی طبق تحقیقی که شهلا کاظمی پور بر اساس داوری‌های یک گروه از افراد انجام داد. برای تعدادی از مشاغل امتیاز و پرستیژ تعیین می‌شود و سپس مشاغل طبق امتیازشان درجه بندی می‌شوند که در این پژوهش منزلت کلیه شغل‌ها در پنج گروه جداگانه تقسیم بندی شده است (کاظمی پور، ۱۳۷۸). برای تعیین میزان درآمد فرد سرانه محاسبه شده است. به طوری که در قالب سوال باز درآمد ماهانه (خانوادگی) فرد و بعد خانوار پرسیده می‌شود و بعد از تقسیم درآمد بر بعد خانوار درآمد سرانه خانوار محاسبه می‌شود. در نهایت با جمع نمره‌های Z سه متغیر درآمد، تحصیلات و منزلت شغلی شاخص پایگاه اقتصادی اجتماعی فرد به دست می‌آید. در این شاخص بالاترین نمره نشانه‌ی بیشترین بهره‌مندی از درآمد، منزلت شغلی و تحصیلات است.

اعتبار^۱

برای سنجش اعتبار ابزار پژوهش از اعتبار صوری استفاده شده، به این ترتیب که پرسشنامه به تایید چند نفر از اساتید مجرب و صاحب نظر علوم اجتماعی رسیده است. همچنین از اعتبار سازه (به وسیله تحلیل عاملی تأییدی^۲ با نرم افزار لیزرل^۳) برای تایید سنجش مفهوم واحد، توسط سازه‌ها که دارای ابعاد هستند (مشارکت شهروندی، اعتماد

^۱ . Validity

^۲ . Confirmatory Factor Analysis

^۳ . Lisrel

اجتماعی) استفاده شده است. در زیر نتایج تحلیل عامل تأییدی مربوط به هر سازه که تایید کننده این مدعاست آورده شده است.

طبق جدول شماره ۲ مقدار شاخص KMO^1 برابر با $0/86$ دلالت بر قابلیت داده‌ها برای به کارگیری تکنیک تحلیل عامل بر روی آن‌ها دارد. مقدار آماره ریشه میانگین توان دوم خطای تقریب^۲ برابر با $0/04$ ، شاخص برازندگی^۳ برابر با $0/89$ و شاخص برازش تطبیقی^۴ با مقدار $0/95$ همگی اعتبار سازه‌های گویه‌ها را در قالب یک طیف برای سنجش مفهوم واحد مشارکت شهروندی تأیید می‌نمایند.

جدول ۲: نتایج تحلیل عاملی تأییدی مربوط به اعتبار سازه مشارکت شهروندی

آماره‌ها	KMO	GFI	CFI	Standardized RMR
مقدار آماره‌ها	$0/86$	$0/89$	$0/95$	$0/04$

با توجه به نتایج تحلیل عاملی، یعنی مقادیر ریشه میانگین توان دوم خطای تقریب^۲ ($0/03$)، شاخص برازندگی ($0/87$) و شاخص برازش تطبیقی ($0/97$) اعتبار گویه‌های سازه اعتماد اجتماعی را برای سنجش مفهوم واحد تایید می‌کند. مقدار شاخص KMO برابر با $0/93$. دلالت بر قابلیت داده‌ها برای به کارگیری تکنیک تحلیل عامل بر روی آن‌ها است.

جدول ۳: نتایج تحلیل عاملی تأییدی مربوط به اعتبار سازه گویه‌های اعتماد اجتماعی

آماره‌ها	KMO	GFI	CFI	Standardized RMR
مقدار آماره‌ها	$0/93$	$0/87$	$0/97$	$0/03$

1. Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy(KMO)

مناسب‌ترین آزمون برای تعیین مناسب بودن داده‌ها برای تحلیل عامل می‌باشد که معمولاً مقدار آن برای مناسب بودن داده‌ها باید از $0/7$ به بالا باشد.

2. Root Mean Square Residual(RMR)

مقدار این آماره بین صفر و یک در نوسان است. مقادیر کمتر از $0/05$ برازش مدل قابل قبول، مقادیر $0/05$ تا $0/08$ متوسط و مقادیر بالاتر ضعیف قلمداد می‌شود.

3. Goodness of Fit Index(GFI)

مقدار آن بین صفر و یک در نوسان است. مقادیر بیشتر از $0/95$ روایی سازه بسیار مطلوب، از $0/90$ تا $0/95$ مطلوب و کمتر از $0/90$ اعتبار آن نامطلوب به حساب می‌آید.

4. Compative Fit Index(CFI)

پایایی^۱

برای سنجش قابلیت اعتماد و در واقع هماهنگی بین گویه‌هایی که برای سنجش سازه‌های مورد نظر ساخته شده‌اند از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است.

جدول ۴: قابلیت اعتماد هر کدام از سازه‌های پژوهش

مفهوم	ابعاد	تعداد گویه‌ها	آلفای کرونباخ
مشارکت شهروندی	تمایل مشارکتی	۱۱	۰/۸۸
	رفتار مشارکتی	۱۱	۰/۸۴
اعتماد اجتماعی	اعتماد بین فردی	۵	۰/۸۳
	اعتماد بین نهادی	۷	۰/۹۰
فایده‌مندی مشارکت	-	۶	۰/۸۶
جامعه‌پذیری مشارکت	-	۷	۰/۹۰
پایگاه اجتماعی - اقتصادی	-	۳	۰/۸۵
احساس تعلق به شهر	-	۴	۰/۹۵

یافته‌های تحقیق

همانطور که از جدول شماره ۵ مشخص است، ۳۵/۳ درصد از پاسخگویان دارای تحصیلات دانشگاهی هستند. این درحالی است که ۴۶/۷ درصد که اکثریت پاسخگویان هستند، سواد متوسط یعنی راهنمایی یا متوسطه دارند. هرچه افراد در مناطق بالا از لحاظ اقتصادی - اجتماعی ساکن هستند دارای تحصیلات عالی بیشتری هستند. به طوری که در خوشه اول (منطقه ۱۱) که در بالاترین سطح از لحاظ اقتصادی^۱ اجتماعی قرار دارد ۶۵/۸ درصد از پاسخگویان آن دارای تحصیلات دانشگاهی هستند. در مقابل تنها ۷/۴ درصد از پاسخگویان خوشه پنجم (منطقه ۵) که از لحاظ اقتصادی - اجتماعی در پایین‌ترین سطح قرار دارند دارای تحصیلات دانشگاهی هستند. در خوشه چهارم و پنجم که جزء مناطق پایین از لحاظ اقتصادی^۱ اجتماعی است به ترتیب ۳/۴ درصد و ۲۲/۲ درصد از پاسخگویان این مناطق بی‌سواد بودند.

^۱ . Reliability

جدول ۵: توزیع تحصیلات پاسخگویان بر حسب منطقه محل سکونت

کل پاسخگویان	خوشه پنجم پایین پایین (منطقه ۵)		خوشه چهارم پایین (منطقه ۴)		خوشه سوم متوسط (منطقه ۷)		خوشه دوم بالا (منطقه ۸)		خوشه اول بالای بالا (منطقه ۱۱)		مناطق تحصیلات	
	درصد	فروانی	درصد	فروانی	درصد	فروانی	درصد	فروانی	درصد	فروانی		
۲۲/۵	۷	۲۲/۲	۶	۳/۴	۱	۰	۰	۰	۰	۰	بی سواد	
۲۴/۲	۲۷	۳۳/۳	۹	۳۴/۵	۱۰	۱۴/۶	۶	۲/۳	۱	۲/۴	۱	ابتدایی
۲۲/۵	۳۲	۱۴/۸	۴	۲۷/۶	۸	۲۲	۹	۹/۱	۴	۱۷/۱	۷	راهنمایی
۱۵/۹	۵۳	۲۲/۲	۶	۲۷/۶	۸	۴۸/۸	۲۰	۲۹/۵	۱۳	۱۴/۶	۶	متوسطه
۱۴/۸	۴۴	۷/۴	۲	۰	۰	۱۲/۲	۵	۴۳/۲	۱۹	۴۳/۹	۱۸	لیسانس
۳/۸	۱۸	۰	۰	۶/۹	۲	۲/۴	۱	۱۵/۹	۷	۱۹/۵	۸	فوق
۱۴/۸	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۲/۴	۱	دکتری
۱۷/۶	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	حوزوی
۱۰۰	۱۸۲	۱۰۰	۲۷	۱۰۰	۲۹	۱۰۰	۴۱	۱۰۰	۴۴	۱۰۰	۴۱	جمع

همانگونه از جدول شماره ۶ مشخص است، میانگین درآمد سرانه پاسخگویان منطقه یازده با ۲۷۴/۶۷ هزار تومان از دیگر مناطق بالاتر بوده است. در مقابل پاسخگویان منطقه پنج با ۱۱۴/۲۳ هزار تومان کمترین درآمد سرانه را نسبت به دیگر مناطق داشتند. پراکندگی درآمد سرانه در بین پاسخگویان منطقه یازده با ۷۶/۸۱ بیشتر از مناطق دیگر بوده است. در مقابل منطقه پنج با ۳۴/۰۸ انحراف معیار از کمترین پراکندگی درآمد سرانه در بین پاسخگویان برخوردار است. میانگین سنی کل پاسخگویان ۴۳/۰۳ سال است. مقدار چوله ۰/۳ نشان از تفاوت اندک با توزیع نرمال دارد و مشخص می‌کند که سن بیشتر پاسخگویان اندکی پایین‌تر از میانگین است. سن نیمی از پاسخگویان ۴۳ و بالاتر می‌باشد. یک چهارم پاسخگویان ۵۰/۲ سال و بیشتر سن دارند. میانگین درآمد سرانه خانوارها ۱۹۵/۸۷ هزار تومان بوده که در این بین بیشترین مقدار ۴۵۰ هزار تومان و کمترین مقدار ۵۰ هزار تومان بوده است. مقدار چوله (۰/۶۲). علاوه بر این که مشخص می‌کند با توزیع نرمال تفاوت فاحشی دارد نشان دهنده این مطلب است که اکثر پاسخگویان درآمدی پایین‌تر از میانگین دارند. درآمد سرانه اکثر

پاسخگویان ۲۰۰ هزار تومان است. در این بین نیمی از پاسخگویان درآمد سرانه‌ی کمتر از ۱۷۵ هزار تومان دارند. و یک چهارم پاسخگویان درآمد سرانه‌ی بالاتر از ۲۵۰ هزار تومان دارند.

جدول ۶: پراکندگی متغیرهای کمی زمینه‌ای در میان پاسخگویان

منطقه	متغیر	میانگین	انحراف معیار	چارکها			س.م	س.م	س.م	متغیر
				۲۵	۵۰	۷۵				
منطقه ۱	سن (سال)	۳۱	۸/۸	۳۷/۵	۴۳	۵۲	۰/۲۲	۴۳	۴۴/۷۱	۶۲
	درآمد سرانه*	۱۶۰	۷۶/۸۱	۲۲۵	۲۶۶	۲۵۰	۰/۳۴	۲۶۶	۲۷۴/۶۷	۴۵۰
منطقه ۸	سن (سال)	۲۷	۸/۶۲	۳۲	۴۱	۳۲	۰/۰۳	۳۲	۴۱/۰۹	۵۸
	درآمد سرانه*	۱۱۷	۷۴/۵۱	۲۰۰	۲۵۰	۲۰۰	۰/۴۹	۲۵۰	۲۶۲/۲۳	۴۰۰
منطقه ۷	سن (سال)	۲۹	۹/۸۱	۳۳	۴۰	۳۱	۰/۴۵	۳۱	۴۲/۱۵	۶۲
	درآمد سرانه*	۵۰	۵۴/۷۶	۱۳۳	۱۵۰	۲۰۰	۰/۸۸	۲۰۰	۱۵۸/۰۹	۳۰۰
منطقه ۴	سن (سال)	۲۷	۹/۳۵	۳۳/۵	۳۹	۲۹	۰/۱۷	۲۹	۴۰/۹۰	۵۶
	درآمد سرانه*	۶۰	۴۶/۹۹	۷۷	۱۰۰	۱۰۰	۱/۲۶	۱۰۰	۱۳۲/۲۲	۲۳۳
منطقه ۵	سن (سال)	۲۷	۱۲/۶۸	۳۵	۴۷	۳۲	۰/۲۶	۳۲	۴۷/۲۶	۷۱
	درآمد سرانه*	۶۰	۳۴/۰۸	۱۰۰	۱۲۰	۱۰۰	۰/۲۹	۱۰۰	۱۱۴/۲۳	۲۰۰
کل	سن (سال)	۲۷	۹/۹۰	۳۴/۷	۴۳	۳۲	۰/۳۸	۳۲	۴۳/۰۳	۷۱
	درآمد سرانه*	۵۰	۹۳/۱۸۷	۱۲۵	۱۷۵	۲۰۰	۰/۶۲	۲۰۰	۱۹۵/۸۷	۴۵۰

* (درآمد بر حسب هزار تومان است.)

طبق جدول شماره ۷ حداقل و حداکثر نمرات ابعاد مشارکت شهروندی بین ۰ تا ۱۰۰ می‌باشد. میانگین مشارکت شهروندی از لحاظ بعد تمایل مشارکتی ۵۳/۰۶ است. با توجه به آزمون t -test و سطح معناداری آن و مقایسه با نمره میانگین شاخص، در حد متوسط بوده است. این در حالی است که میانگین بعد رفتار مشارکتی ۳۹/۳۳ می‌باشد. که با توجه به آزمون t -test و سطح معناداری آن و مقایسه با نمره میانگین شاخص، در حد متوسط رو به پایین بوده و قابل تعمیم به جامعه‌ی آماری است. مثبت بودن و مقدار چولگی هر دو بعد گویای این امر است که اکثر پاسخگویان نمره پایین‌تر از میانگین دریافت کردند. در بعد تمایل مشارکتی ۲۵ درصد پاسخگویان نمره بالاتر از ۶۷/۳ دریافت کردند. این در حالی است که در بعد رفتار مشارکتی ۲۵ درصد پاسخگویان نمره بالاتر از ۵۴/۲ گرفتند. از لحاظ تمایل مشارکتی یک چهارم پاسخگویان نمره پایین‌تر از ۳۶/۲ گرفتند. اما از لحاظ رفتار مشارکتی یک چهارم پاسخگویان نمره پایین‌تر از ۲۲/۶ دریافت کردند. مقدار میانه نیز نشان می‌دهد در بعد تمایل مشارکتی نیمی از پاسخگویان نمره ۵۲/۹۶ و بیشتر گرفتند. در حالی که در بعد رفتار مشارکتی نیمی از پاسخگویان نمره ۳۶/۴۷ و بیشتر دریافت کردند. میانگین مشارکت شهروندی کل در بازه ۰ تا ۱۰۰ برابر با ۴۶/۱۹ می‌باشد که با توجه به سطح معناداری آزمون t -test در حد متوسط رو به پایین است و می‌توان آن را به جامعه‌ی آماری تعمیم داد. مقدار میانه نمایان‌گر این مطلب است که نیمی از پاسخگویان نمره ۴۶/۳۳ و بیشتر دریافت کردند. همچنین یک چهارم پاسخگویان نمره ۳۴/۰۹ و کمتر از آن از مشارکت شهروندی برخوردار بودند. میزان فایده‌مند دانستن مشارکت شهروندی در بین شهروندان با میانگین ۵۶/۲۷ که از میانگین مورد انتظار یعنی (۵۰) بالاتر است، در حد متوسط به بالا است. که می‌توان به جامعه‌ی آماری تعمیم داد. منفی بودن چوله نشان از آن دارد که اکثر پاسخگویان نمره بالاتر از میانگین کسب کردند. مقدار میانه مشخص می‌کند که نیمی از پاسخگویان برای فایده‌مندی مشارکت نمره ۵۹/۹۶ و بیشتر گرفتند. این در حالی است که یک چهارم پاسخگویان از ۱۰۰ نمره ۳۴/۹۳ و کمتر را دریافت کردند.

جدول ۷: آمار توصیفی شاخص‌ها

آماره‌های توصیفی	تمایل مشارکتی	رفتار مشارکتی	مشارکت شهروندی	فایده‌مندی مشارکت	جامعه‌پذیری مشارکت	اعتماد اجتماعی	احساس تعلق
حد وسط نظری	۵۰	۵۰	۵۰	۵۰	۵۰	۵۰	۵۰
حداقل	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
حداکثر	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
میانگین	۵۳/۰۶	۳۹/۳۳	۴۶/۱۹	۵۶/۲۷	۵۴/۰۲	۳۶/۴۲	۵۶/۲۱
Sig(t-test)	۰/۰۵۴	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۲۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۴
چولگی	۰/۰۶	۰/۴۳	۰/۰۹	-۰/۱۸	-۰/۰۳	۰/۳۸	۰/۰۲
میانه	۵۲/۹۶	۳۶/۴۷	۴۶/۳۳	۵۹/۹۶	۵۸/۳۰	۳۴/۱۸	۵۶/۲۵
نما	-	-	-	۴۹/۹۵	۵۸/۳۱	۱۲/۲۱	۱۰۰
انحراف معیار	۲۱/۳۸	۲۱/۰۸	۱۵/۰۱	۲۴/۶۱	۲۳/۴۱	۲۳/۲۰	۲۸/۷۴
چارکها	۲۵	۳۶/۲	۲۲/۶	۳۴/۰۹	۳۳/۳۱	۱۴/۶۵	۳۱/۲۵
	۵۰	۵۲/۹	۳۶/۴	۴۴/۳۳	۵۹/۹۶	۳۴/۱۸	۵۶/۲۵
	۷۵	۶۷/۳	۵۴/۲	۵۷/۳۷	۷۴/۹۷	۷۰/۸۰	۸۱/۲۵

میانگین جامعه‌پذیری مشارکت شهروندی در میان پاسخگویان ۵۴/۰۲ است که از میانگین قابل انتظار (۵۰) بالاتر است. این امر با توجه به سطح معناداری آزمون t-test نشان می‌دهد جامعه‌پذیری مشارکت شهروندی در میان پاسخگویان در سطح متوسط به بالا بوده و قابل تعمیم به جامعه‌ی آماری است. مقدار چولگی نیز منفی (-۰/۰۳) است که نشان دهنده این مطلب است که بیشتر پاسخگویان نمره‌ای بالاتر از میانگین دارند. به طوری که نیمی از پاسخگویان نمره ۵۸/۳۰ به بالا را به جامعه‌پذیری مشارکت شهروندی اختصاص دادند. مقدار سطح معناداری آزمون t-test برای متغیر اعتماد اجتماعی گویای این مطلب است که اعتماد اجتماعی با میانگین ۳۶/۴۲ در حد پایین بوده و قابل تعمیم به جامعه‌ی آماری است. مثبت بودن چولگی نشان از این دارد که نمره اکثر پاسخگویان پایین‌تر از میانگین بوده است. به طوری که نیمی از پاسخگویان نمره ۳۴/۱۸ و به پایین را به این متغیر اختصاص دادند. سه چهارم پاسخگویان نمره ۵۳/۷۲ و پایین‌تر را به این متغیر دادند. میانگین احساس تعلق به شهر

در بین پاسخگویان ۵۶/۲۱ است که از میانگین مورد انتظار بالاتر است. لذا می‌توان احساس تعلق به شهر را در بین پاسخگویان در حد متوسط رو به بالا ارزیابی کرد. که این مطلب و قابل تعمیم بودن آن به جامعه‌ی آماری را سطح معناداری آزمون t-test تأیید می‌کند. یک چهارم پاسخگویان نمره ۸۱/۲۵ و بالاتر را به این متغیر اختصاص داده‌اند.

آزمون فرضیات

برای بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندی ۹ فرضیه پیش گفته مورد آزمون قرار گرفت که نتایج آن در جدول زیر آمده است.

جدول ۸: آزمون فرضیات و روابط همبستگی بین مشارکت شهروندی و متغیرهای مستقل

متغیر وابسته	متغیر مستقل				
	همبستگی پیرسون	فایده‌مندی مشارکت	جامعه‌پذیری مشارکت	اعتماد اجتماعی	پایگاه اجتماعی - اقتصادی
مشارکت شهروندی	سطح معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
	مقدار همبستگی	۰/۷۸	۰/۷۷	۰/۵۱	۰/۴۰
جامعه‌پذیری مشارکت	سطح معناداری	۰/۰۰۰	-	-	-
	مقدار همبستگی	۰/۷۸	-	-	-
اعتماد اجتماعی	سطح معناداری	۰/۰۰۰	-	-	-
	مقدار همبستگی	۰/۴۱	-	-	-
پایگاه اجتماعی - اقتصادی	سطح معناداری	-	۰/۰۰۰	-	-
	مقدار همبستگی	-	۰/۴۵	-	-
احساس تعلق به شهر	سطح معناداری	-	-	۰/۰۰۰	-
	مقدار همبستگی	-	-	۰/۵۷	-

- فرضیه ۱- احساس تعلق به شهر اثر مثبت و معناداری بر میزان مشارکت شهروندی دارد. نتایج جدول ۶ نشان می‌دهد که این فرضیه از آزمون رد عبور کرد. لذا می‌توان گفت هرچه فرد به شهر خود احساس تعلق بیشتری کند مشارکت شهروندی وی نیز بیشتر است.
- فرضیه ۲- اعتماد اجتماعی اثر مثبت و معناداری بر میزان مشارکت شهروندی دارد. نتایج جدول ۶ نشان می‌دهد که این فرضیه از آزمون رد عبور کرد. با افزایش اعتماد اجتماعی در شهروندان مشارکت شهروندی آنان نیز افزایش می‌یابد.
- فرضیه ۳- فایده‌مندی مشارکت شهروندی اثر مثبت و معناداری بر میزان مشارکت شهروندی دارد. نتایج جدول ۶ نشان می‌دهد که این فرضیه از آزمون رد عبور کرد. بنابراین می‌توان گفت هرچه فرد مشارکت شهروندی را فایده‌مندانه‌تر بداند بیشتر به مشارکت شهروندی روی می‌آورد.
- فرضیه ۴- پایگاه اجتماعی^۰ اقتصادی اثر مثبت و معناداری بر میزان مشارکت شهروندی دارد. نتایج جدول ۶ نشان می‌دهد که این فرضیه از آزمون رد عبور کرد. زیرا بین مشارکت شهروندی و پایگاه اجتماعی^۰ اقتصادی رابطه‌ی مستقیم معناداری وجود دارد.
- فرضیه ۵- جامعه‌پذیری مشارکت شهروندی اثر مثبت و معناداری بر میزان مشارکت شهروندی دارد. نتایج جدول ۶ نشان می‌دهد که این فرضیه از آزمون رد عبور کرد. لذا با افزایش جامعه‌پذیری مشارکت در فرد، مشارکت شهروندی وی نیز افزایش می‌یابد.
- فرضیه ۶- هرچه احساس تعلق به شهر بالاتر باشد، اعتماد اجتماعی بیشتر است. نتایج جدول ۶ نشان می‌دهد که این فرضیه از آزمون رد عبور کرد. زیرا بین احساس تعلق به شهر و مشارکت شهروندی رابطه‌ی مستقیم و معناداری وجود دارد.
- فرضیه ۷- هرچه اعتماد اجتماعی بالاتر باشد، فایده‌مندی مشارکت شهروندی بیشتر است. نتایج جدول ۶ نشان می‌دهد که این فرضیه از آزمون رد عبور کرد. زیرا بین اعتماد اجتماعی و فایده‌مندی مشارکت رابطه‌ی مستقیم و معناداری وجود دارد.
- فرضیه ۸- هرچه پایگاه اجتماعی^۰ اقتصادی بالاتر باشد، جامعه‌پذیری مشارکت شهروندی بیشتر است. نتایج جدول ۶ نشان می‌دهد که این فرضیه از آزمون رد عبور کرد. زیرا بین پایگاه اجتماعی- اقتصادی و جامعه‌پذیری مشارکت رابطه‌ی مثبت و معناداری وجود دارد.
- فرضیه ۹- هرچه جامعه‌پذیری مشارکت شهروندی بیشتر باشد، فایده‌مندی مشارکت شهروندی بیشتر است. نتایج جدول ۶ نشان می‌دهد که این فرضیه از آزمون رد عبور کرد. لذا می‌توان گفت با افزایش جامعه‌پذیری مشارکت شهروندی، فرد مشارکت شهروندی را فایده‌مندانه‌تر می‌داند.

تحلیل رگرسیون

آزمون‌های تحلیل رابطه‌ی همبستگی تأثیر متغیرها را به طور جداگانه بر متغیر وابسته نشان داد و فرضیات را به طور جداگانه بررسی نمود. این در حالی است که عوامل اجتماعی با یکدیگر تأثیر و تأثر دارند. به همین خاطر برای مشخص کردن تأثیر چندگانه کلیه متغیرها بر مشارکت شهروندی از رگرسیون چندگانه استفاده شده است. در قالب جدول زیر نتایج رگرسیونی چندگانه ارائه شده است.

جدول ۹: ضرایب رگرسیون در تحلیل رگرسیون چندگانه؛ متغیر وابسته: مشارکت شهروندی

متغیر مستقل	B	β	t	سطح معنی داری
فایده‌مندی مشارکت	۰/۴۸	۰/۷۸	۱۷/۱۲	۰/۰۰۰
R = ۰/۷۸ R ² = ۰/۶۲ Adjusted = ۰/۶۱ F = ۲۹۳/۱۰ sig = ۰/۰۰۰				
متغیر مستقل	B	β	t	سطح معنی داری
فایده‌مندی مشارکت	۰/۲۸	۰/۴۷	۶/۹۹	۰/۰۰۰
جامعه‌پذیری مشارکت	۰/۲۵	۰/۴۰	۵/۹۵	۰/۰۰۰
R = ۰/۸۲ R ² = ۰/۶۸ Adjusted = ۰/۶۷ F = ۱۹۲/۳۴ sig = ۰/۰۰۰				
متغیر مستقل	B	β	t	سطح معنی داری
فایده‌مندی مشارکت	۰/۲۸	۰/۴۶	۷/۰۸	۰/۰۰۰
جامعه‌پذیری مشارکت	۰/۲۰	۰/۳۲	۴/۸۲	۰/۰۰۰
اعتماد اجتماعی	۰/۱۲	۰/۱۸	۴/۰۵	۰/۰۰۰
R = ۰/۸۴ R ² = ۰/۷۰ Adjusted = ۰/۷۰ F = ۱۴۴/۷۹ sig = ۰/۰۰۰				

طبق نتایج به‌دست‌آمده از تحلیل رگرسیونی که در جدول شماره ۹ آورده شده است، فایده‌مندی مشارکت شهروندی مهمترین متغیر مؤثر بر مشارکت شهروندی است. چرا که در اولین گام وارد مدل شده است. این متغیر به تنهایی ۶۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کند. ضریب تأثیر فایده‌مندی مشارکت در گام دوم و در کنار جامعه‌پذیری مشارکت کاهش پیدا کرده است. این دومتغیر با هم ۶۸ درصد از تغییرات مشارکت شهروندی را تبیین می‌کنند. در گام آخر متغیرهای فایده‌مندی مشارکت شهروندی، جامعه‌پذیری مشارکت

شهروندی و اعتماد اجتماعی در مدل رگرسیونی باقی مانده‌اند. که این سه متغیر در مجموع ۷۰ درصد از تغییرات مشارکت شهروندی را تبیین می‌کنند. در کل می‌توان این چنین نتیجه‌گیری کرد که متغیر مشارکت شهروندی از سه عامل مهم فایده‌مندی مشارکت شهروندی، جامعه‌پذیری مشارکت شهروندی و اعتماد اجتماعی تأثیر مستقیم می‌پذیرد. در حالی که دو متغیر احساس تعلق به شهر و پایگاه اجتماعی^۵ اقتصادی تحت تأثیر این سه متغیر بوده به طوری که با وجود آن‌ها تأثیر مستقیم بر مشارکت شهروندی ندارند. اما نتایج تحلیل مسیر نشان داد که این دو متغیر نیز تأثیر غیر مستقیم بر مشارکت شهروندی دارند. مراحل تحلیل مسیر در ادامه آمده است.

تحلیل مسیر

مهم‌ترین مزیتی که روش تحلیل مسیر نسبت به روش تحلیل رگرسیون دارد، این است که در روش تحلیل رگرسیون، تنها قادر به شناسایی تأثیر مستقیم هر متغیر مستقل بر متغیر وابسته بودیم، اما در روش تحلیل مسیر، علاوه بر تأثیر مستقیم، امکان شناسایی تأثیرات غیر مستقیم هر یک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته نیز وجود دارد. به همین خاطر در تحلیل مسیر با چندین معادله خط رگرسیونی استاندارد شده مواجه هستیم، در حالی که در تحلیل رگرسیون تنها یک معادله خط رگرسیونی استاندارد شده داشتیم (منصورفر، ۱۳۸۵: ۲۰۸).

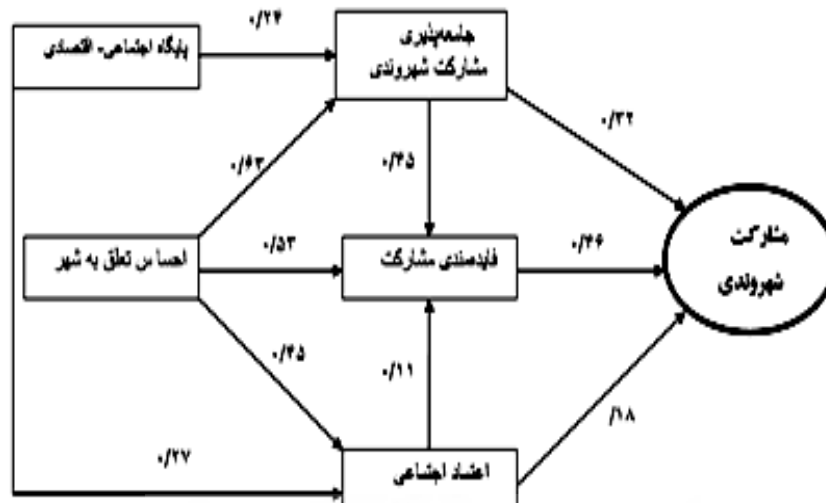
جدول ۱۰: ضرایب مسیر هر کدام از متغیرهای پژوهش در مراحل تحلیل مسیر

گام اول: متغیرهای مؤثر بر مشارکت شهروندی.				
متغیر مستقل	مقدار B	ضریب مسیر	مقدار t	سطح معناداری
فایده‌مندی مشارکت	۰/۲۸	۰/۴۶	۷/۰۸	۰/۰۰۰
جامعه‌پذیری مشارکت	۰/۲۰	۰/۳۲	۴/۸۲	۰/۰۰۰
اعتماد اجتماعی	۰/۱۲	۰/۱۸	۴/۰۵	۰/۰۰۰
گام دوم: متغیرهای مؤثر بر فایده‌مندی مشارکت شهروندی.				
متغیر مستقل	مقدار B	ضریب مسیر	مقدار t	سطح معناداری
احساس تعلق به شهر	۰/۴۵	۰/۵۳	۹/۱۰	۰/۰۰۰
جامعه‌پذیری مشارکت	۰/۴۷	۰/۴۵	۸/۱۶	۰/۰۰۰
اعتماد اجتماعی	۰/۱۱	۰/۱۱	۲/۳۳	۰/۰۱۸

گام سوم: متغیرهای مؤثر بر جامعه‌پذیری مشارکت شهروندی.				
متغیر مستقل	مقدار B	ضریب مسیر	مقدار t	سطح معناداری
احساس تعلق به شهر	۰/۵۱	۰/۶۳	۱۲/۰۵	۰/۰۰۰
پایگاه اجتماعی - اقتصادی	۰/۲۳	۰/۲۴	۴/۷۲	۰/۰۰۰
گام چهارم: متغیرهای مؤثر بر اعتماد اجتماعی.				
متغیر مستقل	مقدار B	ضریب مسیر	مقدار t	سطح معناداری
احساس تعلق به شهر	۰/۳۶	۰/۴۵	۷/۱۷	۰/۰۰۰
پایگاه اجتماعی - اقتصادی	۰/۲۵	۰/۲۷	۴/۴۱	۰/۰۰۰

مراحل تحلیل مسیر بدین صورت بوده است که در گام اول تمامی متغیرهای مستقل پژوهش که با متغیر وابسته (مشارکت شهروندی) در ارتباطند وارد تحلیل شده است تا متغیرهایی که در مدل مؤثرند مشخص شوند. همانگونه که جدول شماره ۱۰ نشان می‌دهد از بین متغیرهایی مستقل پژوهش فایده‌مندی مشارکت، جامعه‌پذیری مشارکت و اعتماد اجتماعی دارای سطح معناداری قابل قبول هستند و رابطه‌ی مستقیم و معناداری با متغیر وابسته (مشارکت شهروندی) دارند و در مدل باقی می‌مانند. در گام دوم متغیر مستقلی که بیشترین بتا را در ارتباط با متغیر وابسته داشته است (فایده‌مندی مشارکت شهروندی) به عنوان متغیر وابسته قرار گرفته است و دیگر متغیرهای مستقل تحقیق به عنوان متغیر مستقل با این متغیر در ارتباط گذاشته می‌شود. متغیر احساس تعلق به شهر، جامعه‌پذیری مشارکت و اعتماد اجتماعی رابطه‌ی مستقیم و معناداری با فایده‌مندی مشارکت شهروندی دارد. در گام سوم متغیر جامعه‌پذیری مشارکت که دومین ضریب بتا را داشته است به عنوان متغیر وابسته قرار می‌دهیم و همانطور که نشان داده شده است دو متغیر احساس تعلق به شهر و پایگاه اجتماعی - اقتصادی با متغیر مورد نظر ارتباط مستقیم و معناداری دارند. در گام چهارم و آخر متغیر اعتماد اجتماعی که دارای سومین ضریب بتا بوده است به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته می‌شود و همانگونه که جدول نشان می‌دهد متغیر احساس تعلق به شهر و پایگاه اجتماعی - اقتصادی با این متغیر ارتباط آماری مثبت و معنادار دارد.

مدل نهایی تحلیل مسیر (اعداد = ضرایب بتا)



بحث و نتیجه گیری

پرسش آغازین این تحقیق، پیرامون میزان مشارکت شهروندی و عوامل مؤثر بر آن در شهر مشهد بود. موضوع مشارکت شهروندی، لزوم توجه به عوامل مرتبط با آن را ضروری می‌سازد. در پاسخ به سوال تحقیق و با توجه به نظریه‌های مورد استفاده این نتایج حاصل شد که میزان مشارکت شهروندی در بین سرپرست خانوارهای شهر مشهد پایین‌تر از حد متوسط است. این امر در مورد ابعاد مشارکت شهروندی متفاوت بود؛ چرا که از لحاظ تمایل مشارکتی، سرپرست خانوارهای شهر مشهد تمایلی بالاتر از حد متوسط به مشارکت شهروندی دارند. در حالی که از لحاظ رفتار مشارکتی و در واقعیت، از سطح پایین مشارکت شهروندی برخوردارند. این در حالی است که میزان مشارکت پاسخگویان بر حسب منطقه محل سکونت متفاوت بوده است.

آزمون همبستگی بین متغیرهای مستقل و وابسته نشان از همبستگی بالا بین تمامی متغیرهای مستقل و متغیر وابسته (مشارکت شهروندی) دارد. بیشترین همبستگی بین فایده‌مندی مشارکت و مشارکت شهروندی است. و کمترین آن بین پایگاه اجتماعی و اقتصادی و

مشارکت شهروندی می‌باشد. نتایج تحلیل آزمون چند گانه حاکی از این است که سه متغیر فایده‌مندی مشارکت شهروندی، جامعه‌پذیری مشارکت شهروندی و اعتماد اجتماعی ۷۰ درصد از تغییرات متغیر وابسته (مشارکت شهروندی) را تبیین می‌کند.

در این پژوهش مشارکت شهروندی بر اساس سه پارادایم واقعیت اجتماعی، تعریف اجتماعی و رفتار اجتماعی مورد بررسی قرار گرفت. در پارادایم واقعیت اجتماعی، آنچه که از نظریات اندیشمندانی چون دورکیم، هابرماس استنباط می‌شد، اعتماد اجتماعی تأثیر به‌سزایی بر مشارکت شهروندی دارد. نتایج تحقیق حاضر، محتوای نظریات مذکور و کارهای پیشین انجام شده مرتبط با اعتماد اجتماعی، تأثیر آن بر مشارکت شهروندی را مورد تأیید قرار می‌دهد. نتایج تحلیل رگرسیون تحقیق نشان می‌دهد که اعتماد اجتماعی تأثیر مستقیم و معناداری بر مشارکت شهروندی دارد. این امر در تحقیقات ربانی و همکاران (۱۳۸۶)، صالحی (۱۳۸۵)، عباس زاده (۱۳۸۷) و وینسرا (۲۰۰۲) نیز مشاهده می‌شود. همچنین نتایج تحلیل رگرسیون در این تحقیق نشان می‌دهد که اعتماد اجتماعی باعث فایده‌مند دانستن مشارکت و فایده‌مندی مشارکت باعث افزایش مشارکت شهروندی می‌شود. به طور کلی وجود اعتماد اجتماعی در جامعه در حکم قوه‌ای توانمند برای تشکیل و بسط روابط ثانوی است که به فضای عمومی طروات و بالندگی ویژه‌ای می‌بخشد و جان مایه مؤثر برای کنش‌های جمعی چون مشارکت شهروندی است.

بر اساس نظریات مارتین لیپست و هانتینگتون پایگاه اقتصادی^۱ اجتماعی بر میزان مشارکت شهروندی مؤثر است. این موضوع در تحقیق حاضر نیز نمایان است. در این تحقیق پایگاه اجتماعی^۲ اقتصادی با مشارکت شهروندی رابطه‌ی معنادار مستقیمی داشته است. در تحقیقات پیشین نیز پایگاه اجتماعی^۳ اقتصادی (صالحی (۱۳۸۵)، یزدان پناه (۱۳۸۲) و ردی و همکارانش (۱۹۷۳) رابطه‌ی معناداری با مشارکت شهروندی داشته است. همچنین نتایج تحلیل مسیر نشان می‌دهد که هرچه پایگاه اجتماعی^۴ اقتصادی فرد بالاتر باشد از لحاظ جامعه‌پذیری مشارکت شهروندی، فرد در مرتبه بالاتری قرار دارد که این امر باعث افزایش مشارکت شهروندی می‌شود.

در پارادایم تعریف اجتماعی آنچه که از نظریات پارسونز، هیگن و گائوتری استنباط می‌شد این است که جامعه‌پذیری مشارکت باعث افزایش مشارکت شهروندی افراد می‌شود. نتایج تحقیق حاضر نشان داد که جامعه‌پذیری مشارکت باعث افزایش مشارکت شهروندان می‌شود نتایج حاصله کاربردی بودن نظریات مذکور را در جامعه‌ی آماری مورد مطالعه تأیید می‌کند. همچنین در تحقیقات پیشین احمدی (۱۳۸۳) ردی و همکارانش (۱۹۷۳) دوچرتی و همکاران

(۲۰۰۱) به همین نتیجه دست یافتند. نقطه‌های آغازین تربیت و اجتماعی شدن کودک نقش زیادی در رفتار آینده او دارد. بنابراین هرچه مشارکت شهروندی در افراد در دوران کودکی بیشتر درونی شود، در بزرگسالی با مشارکت شهروندی بیشتری از سوی وی مواجه هستیم.

در پارادایم رفتار اجتماعی آنچه که از نظریات هومنز، رابرت دال و کلندرمن استنباط می‌شد این بود که هرچه فرد مشارکت شهروندی را فایده‌مندانه‌تر بداند بیشتر به این امر می‌پردازد. اگر شهروندان در ارزش‌یابی‌های خود دریابند که پاداشی که از مشارکت در امور به دست می‌آید کم‌تر از دیگر فعالیت‌ها باشد آن‌ها حتماً کم‌تر مشارکت می‌جویند. در حقیقت افراد منافع آتی، قطعی و حقیقی را به منافع حاصل از مشارکت که بالطبع در آینده حاصل می‌شود ترجیح می‌دهند. با توجه به نتایج تحلیل مسیر این موضوع در این تحقیق به خوبی نمایان است؛ چرا که فایده‌مندی مشارکت شهروندی با بتا ۰/۳۷ و همبستگی ۰/۸۱ بیشترین تأثیر را بر مشارکت شهروندی داشته است. تحقیقات پیشین عباس‌زاده (۱۳۸۷)، کلدی (۱۳۸۰)، احمدی (۱۳۸۳)، ردی و همکارانش (۱۹۷۳)، دوچرتی و همکاران (۲۰۰۱) نیز به این نتیجه رسیدند که هرچه فرد مشارکت را فایده‌مندتر بداند، بیشتر به مشارکت دست می‌زند.

متغیر احساس تعلق به شهر رابطه‌ی مثبت و معناداری با مشارکت شهروندی داشته است. با توجه به نتایج تحلیل مسیر این متغیر به طور غیر مستقیم نیز تأثیر به‌سزایی بر مشارکت شهروندی داشته است. این متغیر در کارهای پیشین، ادیبی سده و هارطونیان (۱۳۸۶)، عباس‌زاده (۱۳۸۷) و کلدی (۱۳۸۰) نیز معنادار بوده است.

از دیدگاه هابرماس در جامعه‌ی نوین از طریق کنش ارتباطی است که انسان‌ها از سلطه‌رهایی می‌یابند و جهان خود را به صورت عقلانی^۵ ارتباطی و دمکراتیک می‌سازند. کنش ارتباطی نیز در یک فضا و حوزه عمومی شکل می‌گیرد و وجود حوزه عمومی و گفتگوی آزاد و فارغ از سلطه از ضروریات کنش مشارکتی است. اگر فرد خود را جزئی از جامعه و شهر خود نداند و احساس کند که کنش او در ساختن شهر بی‌فایده است، هرگز در فعالیت‌های مربوط به شهر و جامعه‌ی خود شرکت نخواهد کرد. بنابراین بخشی از این که شهروند بتواند خود را جزئی از شهر بداند و به شهر خود احساس تعلق داشته باشد بسته به عملکرد مسئولین و نهادهای شهری دارد. اگر این نهادها بتوانند این فضای عاری از سلطه را ایجاد کنند و اعتماد مردم را نسبت به خود جلب کنند به طوری که مردم هیچ تردیدی به عملکرد آن‌ها نداشته باشند، بیشتر به امر مشارکت می‌پردازند.

مدیران شهر قبل از مدیر بودن، خود یک شهروند هستند. که وظیفه اجرای قوانین و رعایت آن‌ها از سوی سایر شهروندان در قالب قوانین مورد اتفاق همه، به آن‌ها واگذار شده

است. میزان و نحوه اعتقاد مدیران شهر به قانون، نحوه ضمانت اجرا و همچنین مساوی بودن جملگی آحاد جامعه در برابر قانون از اهمیت شایان توجهی برخوردار است؛ چرا که اعتماد مردم را نسبت به خود و نهادهای شهری به دنبال دارد.

نشست‌های عمومی هیئت‌های مردمی و مدیران به منظور اطلاع رسانی و توافق در مورد مدیریت شهری، ایجاد برنامه‌های همه‌پرسی و دسترسی آسان شهروندان به مسئولین شهر از دیگر عواملی است که می‌توان اعتماد شهروندان را به نهادهای شهری جلب کرد که این امر افزایش مشارکت شهروندی شهروندان را در پی دارد.

مدارس به عنوان الگو و مدلی برای تمرین یک جامعه‌ی مدنی و نیز مهمترین نهاد در انتقال ارزش‌های مدنی می‌باید علاوه بر وجوه آموزشی و درسی انتزاعی که تنها افزایش آگاهی شناختی را دنبال دارد، ابعاد عاطفی به خصوص رفتارهای عمل شهروندی را نیز رشد دهند. با آموزش فرهنگ گفتگو و نیز مهارت‌های ارتباطی و مشارکتی در این نهاد می‌توان شاهد مشارکت شهروندی از سوی شهروند در آینده باشیم. همچنین در این رابطه آموزش خانواده‌ها در جهت تربیت و آشنا کردن فرزندان خود با امر مشارکت و شرکت در فعالیت‌های گروهی می‌تواند راهکاری باشد برای افزایش مشارکت شهروندان در آینده، که این آموزش می‌تواند از طریق رسانه‌های جمعی صورت گیرد.

یکی دیگر از راهکارهای جلب مشارکت شهروندان ایجاد احساس تعلق نسبت به مکان و محیط زندگی است. احساسی که در شهرهای امروزی به شدت مخدوش شده است. وقتی شهروند در خانه و محله و شهر خویش احساس توطن نماید. نظر و رأی خویش را مؤثر ببیند، عدالت را مشاهده و احساس نماید. و احساس این همانی با محیط و فضا کند به عبارتی هویت خویش و شهر را انفکاک ناپذیر بداند، در این صورت منافع عمومی به اندازه منافع فردی در نظر وی اهمیت می‌یابد. این امر بالطبع افزایش مشارکت را نیز در پی دارد.

در رابطه‌ی فایده‌مندی مشارکت می‌بایست با ایجاد شوراهای محلی در محلات و تشویق مردم جهت عضویت در این شوراها سعی شود مشارکت در سطح محله انجام شود تا فاصله بین دریافت پاداش و انجام عمل کمتر شود. همان طور که نتایج تحقیق نشان داد هرچه افراد در پایگاه اجتماعی اقتصادی پایین‌تری قرار داشته باشند، از مشارکت کمتری برخوردارند. بنابراین رفع مشکلات اقتصادی مردم، این زمینه را برای فرد فراهم خواهد کرد که در امور شهری خود شرکت جوید.

منابع

۱. آتال، یوگش و اوین، الس. (۱۳۷۹). فقر و مشارکت در جامعه‌ی مدنی. ترجمه ایرج پاد. تهران: انتشارات سروش.
۲. ابادری، یوسف. (۱۳۷۷). خرد جامعه‌شناسی. تهران: طرح نو.
۳. احمدی، منصور. (۱۳۸۳). بررسی عوامل مؤثر بر گرایش شهروندان به مشارکت در اداره‌ی امور شهرها در شهر فرخ‌شهر از استان چهارمحال بختیاری (پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی).
۴. پیوزی، مایکل. (۱۳۷۹). یورگن هابرماس. ترجمه احمد تدین. تهران: انتشارات هرمس.
۵. دال، رابرت. (۱۳۶۴). تجزیه و تحلیل جدید سیاست. ترجمه حسین ظفریان. تهران: ظفریان.
۶. دواس، ای دی. (۱۳۸۸). پیمایش در تحقیقات اجتماعی. ترجمه هوشنگ نایی. تهران: نشر نی.
۷. دهقان، علیرضا و غفاری، غلامرضا. (۱۳۸۴). تبیین مشارکت اجتماعی-فرهنگی دانشجویان دانشگاه‌های علوم پزشکی شهر تهران. مجله‌ی جامعه‌شناسی ایران، ۱(۶)، ۶۷-۹۸.
۸. دیلینی، تیم. (۱۳۸۸). نظریه‌های کلاسیک جامعه‌شناسی. ترجمه بهرنگ صدیقی و وحید طلوعی. تهران: نشر نی.
۹. ربانی، رسول، آرانچولام، دارما، عباس‌زاده، محمد، و قاسمی، محمد. (۱۳۸۶). بررسی تأثیر رفاه اقتصادی و اجتماعی بر میزان مشارکت شهروندان در امور شهری: مورد مطالعه شهر اصفهان. دوفصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، ۴(۲)، ۷۳-۹۹.
۱۰. ریتزر، جورج. (۱۳۸۵). نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی.
۱۱. شادی‌طلب، ژاله. (۱۳۸۲). مشارکت اجتماعی زنان. فصلنامه‌ی پژوهش زنان، ۳(۷)، ۱۷۶-۱۴۱.
۱۲. شریفیان ثانی، مریم. (۱۳۸۰). مشارکت شهروندی حکمرانی شهری و مدیریت شهری. فصلنامه مدیریت شهری، ۸، ۴۲-۵۵.
۱۳. شفیع، شفیع. (۱۳۸۵). بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی شهروندان شهر اردبیل (پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی رودهن).
۱۴. شیانی، ملیحه. (۱۳۸۲). مشارکت اجتماعی کودکان. فصلنامه‌ی رفاه اجتماعی، ۲(۷)، ۱۵-۲۹.

۱۵. صالحی، یاسان. (۱۳۸۵). بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در اداره‌ی امور شهری شهر بجنورد (پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی).
۱۶. عباس‌زاده، محمد. (۱۳۸۷). بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در امور شهری مورد مطالعه: شهر اصفهان (پایان‌نامه‌ی دکتری، دانشگاه اصفهان).
۱۷. کرایب، یان. (۱۳۸۶). نظریه‌های اجتماعی مدرن. ترجمه عباس مخبر. تهران: آگه.
۱۸. کلدی، علیرضا. (۱۳۸۱). بررسی نگرش شهروندان از مشارکت در مدیریت شهری، مطالعه‌ای در منطقه ۷ تهران. فصلنامه جمعیت، ۴۲، ۱-۲۰.
۱۹. کاظمی‌پور، شهلا. (۱۳۷۸). الگویی در تعیین پایگاه اقتصادی- اجتماعی افراد و سنجش تحرک اجتماعی با تکیه بر مطالعه موردی در شهر تهران. نامه‌ی علوم اجتماعی، ۴، ۱۷۲-۱۳۹.
۲۰. گائوتری، هوئین. (۱۳۷۹). مشارکت در توسعه. ترجمه هادی غبرانی و داود طبائی. تهران: انتشارات روش.
۲۱. گی، روشه. (۱۳۷۶). جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز. ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر. تهران: تبیان.
۲۲. منصورفر، کریم. (۱۳۸۴). روشهای پیشرفته آماری همراه با برنامه‌های کامپیوتری. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۳. وحید، فریدون و نیازی، محسن. (۱۳۸۳). تاملی در مورد رابطه بین ساختار خانواده و مشارکت اجتماعی در شهر کاشان. نامه‌ی علوم اجتماعی، ۲۰، ۱۱۷-۱۴۵.
۲۴. یزدان‌پناه، لیلا. (۱۳۸۲). عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان مشارکت اجتماعی شهروندان ۱۸ سال به بالا ساکن مناطق ۲۲ گانه شهر تهران (پایان‌نامه‌ی دکتری، دانشگاه علامه طباطبایی).
۲۵. یوسفی، علی. (۱۳۸۸). طبقه‌بندی اجتماعی نواحی شهر مشهد (معاونت فرهنگی اجتماعی شهرداری مشهد).
26. Baum, H. S. (2001). *Citizen participation, international encyclopedia of the social & behavioral sciences*. Oxford: Pergamon.
27. Docherty, I., Goodlad, R. & Paddison, R. (2001). Civic culture community and citizen participation in contrasting neighbourhoods. *Urban Studies*, 38(12), 2225° 2250.
28. Foster-Fishman, P. G., Pierce, S. J & Van Egeren, L. A. (2009). Who participates and why: building a Process model of citizen participation. *Health Education & Behavior*, 36(3), 550-569.

29. Karioki, G. & Place, F. (2005). Rural development via collective action case study of highland holls cholds in central kenya (CGIAR Systemwide Programon Collective Acshen and Property Rights).
30. Ohmer, M & Beck, E. (2006). Citizen participation in neighborhood organizations in poor communities and its relationship to neighborhood and organizational collective efficacy. *Journal of Sociology and Social Welfare*, XXXIII(1), 179-202.
31. Ohmer, M. (2007). Citizen participation in neighborhood organizations and its relationship to volunteers self-and collective efficacy and sense of community. *Social Work Research*, 31(2), 109-120.
32. Richard, R., Suny, F. & David, H. S. (1973). Why do people participate in voluntary action? *Journal of Extention*, 35-40.
33. Sanoff, H. (1981). Human exchange techniques for citizen participation in town revitalization. *Design Studies*, 2(3), 157-164.
34. Veenstre, G. (2002). Explicating social capital trust and participation in the civill space. *Canadian Journal of Sociology*, 27(4), 547-572.

